

حافظ
در عشق از چه دل از خلق نماند
حافظ این دیده گریان تو، بی چیزی نیست

صفحه آخر

همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
مدیر تحریریه: شهرام فرهنگي
شهرام فرهنگي
معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سامانی
مدیر عکس: امیر بناهیور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ازلو
شهرنگار: مدیر: پروانه بهرام نژاد
اقتصاد: مدیر: مریم باقریور
مدیر: سید احسان
مدیر: مریم موسوی پور
تماشاکو: مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
گزارش: مدیر: فرهنگ طباطبایی

سرزمین من: مدیر: سید زهرا عباسی
مدیر: زهرا رفیعی
تندرستی: مدیر: جواد نصرتی
مدیر: مریم سرفروش
سرخ: مدیر: جواد عزیز
مدیر: محمد جعفری
دانشگاه: مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا شیریادی
طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی حلیمی
جامعه: مدیر: سعید میر
مدیر: فاطمه سنگری نیا
۱۳۴ سینما و تلویزیون: مدیر: سعید مروی
مدیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر: مدیر: عباسی محمدی
سرگرمی: مدیر: فرزانه شیریادی
مدیر: زهرا شیریادی
مدیر: زهرا شیریادی

سرمدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی
مدیر: تانین: مدیر: سید محمدی صادقی

یادواره ها

اربعین جهانی یک رهبر



۴۰ روز پس از شهادت جانسوز رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، موج سوگ و میثاق با آرمان‌های ایشان از مرزهای ایران فراتر رفت و در سراسر جهان طنین‌انداخت. این مراسم که در نقاط مختلف آسیا، اروپا و منطقه برگزار شد، نشان از عمق نفوذ معنوی و تفکر امامی داشت که راهش، محدود به یک جغرافیا نیست.

شاید یکی از نمادین‌ترین این مراسم‌ها، اجتماعی بود که در قلب جهان تشییع، در بین الحرمین کربلا معنی بر گزار شد. در این گردهمایی باشکوه، علاوه بر حضور مقامات ایرانی، طیف وسیعی از شخصیت‌های برجسته عراقی شامل مقامات ارشد سیاسی، نظامی، مذهبی، رؤسای دانشگاه‌ها و شیوخ عشایر استان کربلا حضور یافتند. روضه خوانی و ذکر مصیبت در ثانی امام شهید، فضای روحانی خاصی را بر این مکان مقدس حاکم کرد و اشک‌ها، پیوند ملت را در این عزای بزرگ مستحکم‌تر ساخت. این موج ارادت اما به عراق محدود نماند. در کپنهاگ، پایتخت دانمارک، سفارت جمهوری اسلامی ایران میزبان جمعی از ایرانیان و مسلمانان مقیم از کشورهای مختلفی چون عراق، فلسطین، لبنان، سوئد، پاکستان و افغانستان بود که با سخنرانی و عزاداری، یاد امام شهید را گرامی داشتند. گزارش هم‌چنین از برگزاری مراسم‌های باشکوه در شهرهای مختلف پاکستان از جمله کشمیر و نیز در کشورهای چین و اندونزی حکایت دارد. این اجتماعات جهانی در واقع بیانیه‌ای بود که نشان می‌داد میراث امام شهید، میراثی برای تمام آزادی‌خواهان جهان است و راه او، امروز توسط پیروانش در دورترین نقاط این کره خاکی با قدرت و صلابت ادامه دارد.

داستان‌واره ها

و آن روز که آسمان هم گریست

طبق روال هر هفته آماده شده بودم که شنبه راهی تهران بشوم و چند روزی بمانم. فارغ از هر فکر و خیالی بر نامه‌ری‌های دقیق هفتگی را انجام داده بودم. حدود ساعت ۱۰ صبح بود که تلفنم زنگ خورد؛ خبر را شنیدید؟ می‌گویند جنگ شده؛ انگار به تهران حمله شده دوباره. قلبم ریخت، جنگ؟ تا الان که همه چیز عادی بود. کجای تهران را هدف گرفتند؟ نکند... سریع به شبکه‌های مجازی سر زدم. همه جا صحبت از یک جنگ و حمله دیگر بود. اما این بار جنس خبرها ناامید کننده‌تر از چند ماه پیش بود. سریع زدم شبکه خبر شاید چیزی دستگیرم شود. یک نمانند در حال پخش بود با صدای امامان. خدای من نکند خبر راست باشد. دستم به هیچ جا بند نبود. مثل اسلند روی آتش بالا و پایین می‌پریدم. یک چشمم به شبکه خبر یکی دیگر به اخبار کانال‌های مجازی معتبر بود؛ اما هیچ‌تنها نکته‌نگران کننده‌تر این بود که ناگهان کلمه مقام معظم رهبری از همه ادبیات شبکه خبر حذف شده بود! پر خلاف جنگ پیش که همان لحظات اولیه یک پیام از ایشان پخش شد حالا آماده‌کننده کسی حرفی نمی‌زد. اما نمی‌توانست واقعبین داشته باشد. حتماً یک تاکنیک جنگی بود. یک ساعت بعد خبر هدف قرار گرفتن مدرسه دخترانه میناب روح و روانم را به هم ریخت. هر نیم ساعت یکبار به تعداد شهدای کوچک کشور اضافه می‌شد. خدا یا کمک کن این فرشته‌های معصوم تحمل‌ماندن زیر آوارا نماندند. حدود ۱۰ ساعت گذشت که خبر حمله تلافی جویانه نیروهای مسلح کشورمان پخش شد. نفس راحتی کشیدیم. پس حتماً فرمانده کل قوا دستور حمله داده است. پادم افتاد که چند نفر از دوستانم در محدوده انقلاب و تر سیده به جمهوری هستند. تماس گرفتم. تلفن هیچ‌کس جواب نمی‌داد. دوباره دلشوره گرفتم. چند دقیقه گذشت یادم نیست اما دوباره تماس گرفتم و این بار تماس برقرار شد. صدایش از ته چاه می‌آمد؛ اما سلامت بود تازه داشت خیالم کمی راحت می‌شد که خبر حمله به بیت رهبری تأیید شد... و حالا بغض در گلو و لریز از خشم فروخته ۱۶ روز است که بیش از هزاران نفر به خاک و خون کشیده شدند و در کنار امامشان آرام گرفتند و زندگی همچنان ادامه دارد. این جنگ باقیه جنگ‌ها فرق دارد. حالا دیگر کسی نیست که دل‌نگران جانش باشیم. پس تا آخرین قطره خون ادامه می‌دهیم تا کشور برای همیشه از گزند دسیسه‌ها و آسیب‌ها در امان بماند.

آمنه پازوکی / برشی از کتاب الکترونیکی «یا وطن»

حماسه عزت و عزا

مروری بر حضور حماسی ملتی که در اربعین عروج قائد عظیم‌الشان امت اسلام، داغ را به میثاق بدل کرد

ریشه‌دار بود؛ تصویر آن نگاه‌های خیره به یک چهره آشنا، طنین آرام ذکرها که در همه‌جا سکوت سنگین شهر می‌پسندید و قامت استوار جوانانی که سر بندها نشان، نه روایت یک سوگ، که سر آغازی بر ادامه یک راه بود. اربعین امام شهید، روز گردهمایی نبود؛ روز اعلام بود؛ اعلام اینکه رشته‌های امت را به امام خود پیوند می‌داد با هجران جسمانی گسسته نمی‌شود، بلکه در هر قاب عکس خانگی در هر دعای مادرانه و در هر قدم استوار، محکم‌تر از پیش، باز بسته می‌شود. این سیل جمعیت که خیابان‌ها را در آغوش گرفت، پاسخی بود به یک تاریخ؛ پاسخی از جنس وفاداری. این گزارش تصویری، تلاشی است برای به تصویر کشیدن گوشه‌ای از این میثاق باشکوه؛ روایتی از روزی که ایران، یکبار چه، داغ خود را به عهدی دوباره بدل کرد و نشان داد که جای خالی آن سر و بلندباریشه‌هایی که در قلب این مردم دوانده، بر خواهد شد.

چهل روز گذشت، اما انگار ساعت‌های این سرزمین روی همان دقیقه سنگین وداع متوقف مانده است. در اربعین رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای، خیابان‌های شهرهای ایران دیگر صرفاً مسیری برای عبور نبودند؛ آنها به شریان‌های حیاتی قلبی بدل شدند که در سر تا سر این خاک می‌تپید. از سپیده‌دم که نخستین دسته‌های سیاه پوش، سکوت معابر را با طنین گام‌هایشان شکستند، مشخص بود که قرار نیست با یک مراسم س ساده روبرو باشیم؛ آنچه در جریان بود، یک بازخوانی باشکوه بود؛ بازخوانی پیوندی که فراتر از سیاست و جغرافیا در لایه‌های عمیق باورهای یک ملت ریشه دوانده است. در این چهل روز، جای خالی او با حضور مداوم مردم پر شد و در چهلمین غروب، این حضور به اوج خود رسید. آنچه دوربین‌ها در روز وداع ثبت کردند، صرفاً انبوه جمعیت نبود؛ بلکه پرشی از یک حقیقت



دست‌هایی که برای آبادی شهر تلاش می‌کنند، قاب عکس رهبر را بالاتر از همه پرچم‌ها، به آسمان سپردند.



نسل نو، با سر بندهای عقیدتی و پرچم‌هایی که به یاد امام شهید در دست داشت، پیمان خود را در سکوت فریاد زد.



فریادی که در سکوت یک مشت گره کرده خلاصه شد: زن ایرانی، استوار و مصمم، تداوم راه امام شهید را فریاد می‌زند.



دیارهای شهر، شاهان این بیعت تاریخی؛ چهره امام شهید و رهبران، نظاره‌گر امواج خروشان جمعیتی است که به میدان آمده‌اند.



نسل امروز، با هر ظاهر و سلیقه‌ای، در خط مقدم دفاع از آرمان‌ها؛ نگاهی که به آینده‌ای روشن دوخته شده است.



«جانفدا» مردان و زنانی که کفن پوش به میدان آمدند تا بگویند برای دفاع از میهن و راه امام، آماده‌اند.

ایقانونوسی از جمعیت، خیابان‌ها را در نور دید؛ پرچم سه رنگ ایران در اهتزاز، نماد ملتی است که متحد و یکپارچه ایستاده‌اند.



خیابان‌ها به رودخانه‌ای بی پایان از جمعیت بدل شدند؛ حماسه‌ای که قاب دوربین‌ها تنها گوشه‌ای از عظمت آن را ثبت می‌کند.

باکی دستانت، گواهی بر صداقت قلبی‌اش؛ مردی از جنس کار که در سکوت با امام و مقتدای خود تجدید پیمان می‌کند.

مادران، نسل به نسل، عشق به راه امام را در قلب فرزندان خود می‌کارند؛ آینده از همین قاب آغاز می‌شود.



مادران، نسل به نسل، عشق به راه امام را در قلب فرزندان خود می‌کارند؛ آینده از همین قاب آغاز می‌شود.

شعرا واره ها

آه‌ای دماوند! ای دماوند! ای دماوند!



شال شفق بر برف‌های سرخی افکند؟
یا که نسیمی، لاله در پایت پراکند؟
که اینگونه در خون غوطه‌خوردی چون شقایق
آه‌ای دماوند! ای دماوند! ای دماوند!
از چه به وقت قتل خود خاموش ماندی؟
«آتشفشان قهر ملت‌های در بند»
ای تکیه‌گاه میهنم، ای قلعه نور
پشت و پناه مردم ای پسر خردمند
باور نمی‌آید مرا ای کوه نستوه
قتل تو را، عاشق‌ترین مرد خداوند
شد اربعین، هنگام اشک است و شکایت
شد اربعین، هنگام سوگ است و سوگند
ای بعد تو هم صحبت طولانی‌ام؛ اشک
ای بعد تو در خانه‌ام بیگانه؛ لبخند
تا صبح سرخ انتقام، ای و تر موتورا
مردان تراز مرگ خونین سرنتابند
هر چند کشتیم از زمین‌شان دسته دسته
و انداختیم از آسمان فرزند فرزند
هستیم در میدان این رزم نهایی
تا جایی با، سسر را، به خاک مسا بگویند
شد اربعین ای ماه‌های تو محرم
آه‌ای تمام سال در داغ تو اسفند
اسفند و... آه از آن بهار سر بریده
اسفند و... آه از این عزای بی‌هماند
ای آبروی خلیج فارس امروز
باید بگریم در غمت آروند آروند
هر شب که می‌آید صدایش، تلخ گویم:
آیا کجا بودی در آن صبح ای بدافند؟
در خواب بودی که ولی را تشنه کشتند؟
اینک مرا بگذار با آوار آفند...
شد اربعین، شد موسم آندوه و فریاد
شد چله میر شهیدان برومند
آن رسته از دنیای دون، آن خسته از دهر
آن بسته بر پیشانی از خورشید سربند
آن پاک‌باز سرفراز صاحب راز
سردار با فرجام خونین گشته خرسند
آن در نجات کبودگان جنگیده بسیار
در قتلگاهش رفته با فرزند دل‌بند...
در سوگ او با پرچم ایران بیاید
شد اربعین رهبر ایران، دماوند!
حسن صنوبری

دیوار نگاره

نقش عهد بر دیوار پایتخت



در اربعین شهادت حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای و یاران یاقایش، قلب پایتخت میدان ولیعصر (عج) میزبان جدیدترین دیوار نگاره خود شد. این اثر هنری که درست در چهلمین روز عروج ملکوتی امام امت رونمایی شد، نه یک تصویر صرف که روایتی هنر مندانه از پیوند ناگسستنی ملت با رهبر خویش است. در این تصویر، امام شهید با چهره‌ای متمسک در میان ایقانونوسی از مردم دیده می‌شود؛ مردمی از هر قشر و نسل، از زن و مرد تا جوان و نوجوان که با دستانی برافراشته و پرچم ۳ رنگ ایران، با امام خود تجدید میثاق می‌کنند. این قاب، نمادی از ایران یکپارچه است؛ ملتی که گرچه در سوگ رهبر خود نشستند، اما استوار و با امید به آینده چشم دوخته‌اند. پیام اصلی این دیوار نگاره در بیت «خوش برو سوی باغ‌های بهشت بر چمت بر زمین نمی‌ماند» خلاصه شده است. این شعار، ترجمان حال ملتی است که در عین تحمل داغی بزرگ، با صلابت می‌ایستد تا به جهانیان اعلام کند که این راه ادامه دارد و پرچم آرمان‌ها هرگز بر زمین نخواهد ماند. این دیوار نگاره نشانی از وفاداری، استقامت و بیعتی دوباره است با امامی که حالا نظاره‌گر راه پیروانش از آسمان هاست.